



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 5, Issue 2, 2025

## Analytical-Critical Review of the Exclusive Jurisdiction of the Judiciary with an Approach to Islamic Penal Law

Masoomay Rezaee<sup>1</sup>, Zahra Fehreste\*<sup>2</sup>, Ibrahim Yaqouti<sup>3</sup>

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 173-185**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0003-3373-5200

**TELL:** +982177512744

**Email:** fehrest41@yahoo.com

**Article history:**

**Received:** 23 Dec 2024

**Revised:** 16 Mar 2025

**Accepted:** 25 Apr 2025

**Published online:** 22 Jun 2025

**Keywords:**

*The Principle of Exclusive Jurisdiction, Mahdural Dam, Functional Evaluation of Laws, Iranian Criminal Laws.*

### ABSTRACT

The judicial principle of punishments is based on the necessity of criminal knowledge, location theory and the necessity of systematic criminal proceedings. Acknowledging the priority of the province of the qualified judicial and disciplined authority in investigation, proceedings, determination and execution of punishment, the right of arbitrary actions and seeking violence for the desired realization of the said unqualified persons has been prohibited. The principle of the exclusive jurisdiction of the judicial system has been accepted in Article 36 and 37 of the Constitution, but in the normal criminal laws beyond the jurisdictional rights, we see the existence of exceptions in Article 302 of the Islamic Penal Code. The origin of this issue is derived from Islamic jurisprudence and numerous opinions of jurists regarding the person of Mahdur al-Dam, which causes the suspicion to spread to the mind that such persons are Mahdur al-Dam, compared to all members of the society. The present study, with descriptive-analytical method and with the aim of critical analysis of the exclusive jurisdiction of the judicial system with an approach to Article 302 and 303 of the Criminal Code, aims to explain the criteria of the functional measurement scale of laws in the execution of punishment. The conclusion that Article 303 of the Islamic Civil Code did not give absolute authority to individuals and placed the burden of proving that Mahdur al-Dam or the application of Mahdur al-Dam is a subject and an example is on the individuals themselves, which is considered a form of weakness and finally, the legislator has placed the principle on the lack of permission, but in some cases, there are obvious examples of violations that require changes in articles 302 and 303 of the Islamic Penal Code.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

**How to Cite This Article:** Rezaee, M; Fehreste, Z & Yaqouti, I (2025). "Analytical-Critical Review of the Exclusive Jurisdiction of the Judiciary with an Approach to Islamic Penal Law." *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(2): 173-185.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

## بررسی تحلیلی - انتقادی به صلاحیت انحصاری دستگاه قضایی با رویکردی به مواد قانون مجازات اسلامی

معصومه رضائی<sup>۱</sup>، زهرا فهرستی<sup>۲\*</sup>، ابراهیم یاقوتی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)
۳. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### چکیده

اصل قضایی‌بودن مجازات‌ها بر لزوم کیفرشناختی، جایگاه‌شناسی و لزوم نظام‌مندبودن دادرسی کیفری استوارسازی شده است. قائل‌شدن به پذیرش نگرش برتری مقام قضایی در تحقیق، دادرسی، تعیین و اجرای مجازات باعث شده حق اقدامات خودسرانه و خشونت طلبی از افراد فاقد صلاحیت مزبور ممنوع گردیده است. مؤید اصل صلاحیت انحصاری دستگاه قضایی در اصل ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی با لسان حصر مورد پذیرش قرار گرفته است، اما در قوانین عادی کیفری فراتر از حقوق صلاحیتی، شاهد وجود استثناهایی در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی هستیم. منشأ این مسأله برگرفته از فقه اسلامی و نظرات متعدد فقها در ارتباط با شخص مهدورالدم است که باعث تسری این شائبه به ذهن می‌گردد که مهدورالدم‌بودن چنین اشخاصی نسبت به تمام افراد جامعه میسر می‌باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تحلیل انتقادی به صلاحیت انحصاری دستگاه قضایی با رویکردی به ماده ۳۰۲ و ۳۰۳ ق.م.ا.قصد دارد تا معیارهای مقیاس سنجش عملکردی قوانین در اجرای مجازات را تبیین نماید. برآیند حاصله این که ماده ۳۰۳ ق.م.ا. اختیار مطلق العنان را به افراد نداده و بار اثبات مهدورالدم‌بودن یا تطبیق مهدورالدم بودن موضوعی و مصداقی را به‌عهده خود افراد گذاشته که به نوعی ضعف محسوب می‌گردد و درنهایت قانون‌گذار اصل را بر عدم اجازه قرار داده است، اما در مواردی مصادیق نقض مشهود می‌باشد که بنابر آن نقیض‌ها نیازمند تغییر در مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ ق.م.ا. هستیم.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷۳-۱۸۵

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارایکد: ۵۲۰۰-۳۳۷۳-۰۰۰۳-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۲۱۷۷۵۱۲۷۴۴

ایمیل: fehrest41@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

اصل صلاحیت انحصاری، مهدورالدم، سنجش عملکردی قوانین، قوانین کیفری ایران.



## مقدمه

موارد استثنایی صلاحیت انحصاری دستگاه قضایی در نظام حقوقی با محوریت مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات، مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو، مستحق قصاص نفس یا عضو، دفاع مشروع و زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیرموارد اکراه و اضطرار قابل تحدید است. به نظر می‌رسد منشأ این استثنا در فقه اسلامی موضوعی اختلافی است و برخی فقها با پایبندی به اصل صلاحیت قضایی معتقد به موارد نقض موارد استثنایی نبوده و معتقدند اصطلاح مهدورالدم در مورد برخی از افراد تنها در قبال دستگاه قضایی قابل پذیرش است، نه نسبت به افراد عادی. در مقابل نظریه مشهور، دسته‌ای از فقها معتقدند افراد مهدورالدم نسبت به همه مردم قابلیت تعقیب و مجازات را دارند.

کلیت موارد استثنایی صلاحیت انحصاری دستگاه قضایی (دفاع مشروع، ساب‌النبی و ...) با محوریت مرتکب جرم حدی در نظام فقهی و حقوقی ایران، باعث تشتت آرای قضایی گردیده و قانون‌گذار ایران با الهام از نظر مشهور فقهی در ماده ۳۰۲ به آن‌ها پرداخته که ضروریست تا دلایل وارده در چهارچوب مصلحت و نظم عمومی مورد بازبینی قرار گیرد، هرچند که تزییق موارد نقض با دیدگاه مسلم حقوقی انطباق بیشتری دارد، لذا برای جلوگیری از اشتباه در تشخیص مبادی تصویری، نیازمند تحقیقاتی است که با بررسی ابعاد فقهی و حقوقی، خلأ موجود برطرف شود.

سیر مطالب نوشتار پیش رو به این‌گونه است که در ابتدا به مفهوم‌شناسی «مهدورالدم» و «اصل صلاحیت قضایی» پرداخته و ضمن نقد نسبت به اجرای مجازات، اختلاف در نظریات بین فقها و حقوق‌دانان که با تعارض قوانین در قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی مواجه شده، نظر افکنده و با استمداد از تراث فقهی خود، انتقادات اصلی وارد بر آن را طرح و حتی‌المقدور پاسخ داده تا در زمینه رسیدگی به وحدت‌رویه‌ای مطلوب برسد.

تحقیق پیش رو، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است که با امعان نظر

از فقها و حقوق‌دانان، موضوع را تبیین و تشریح نموده‌ایم؛ ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری، بانک‌های اطلاعاتی، شبکه‌های کامپیوتری و استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی می‌باشد.

## ۱- رویکرد نظری به ارتباط قتل مهدورالدم و اصل صلاحیت قضایی

سیر مطالب این پژوهش، در تنقیح موضوع «اصل صلاحیت قضایی با رویکرد به ماده ۳۰۲ و ۳۰۳ ق.م.ا» با ملاحظه عمومیت و جامعیت موضوع مهدورالدم مد نظر است. افزون بر این، پایه بحث بر استظهار از احکام فقهی و روایات مخصوص و بیان آرا اندیشمندان اسلامی استوار است. بدواً برای مشخص‌شدن نقش «مهدورالدم» و «صلاحیت انحصاری دستگاه قضایی» در اجرای مجازات، ناگزیر باید با مفهوم آن‌ها آشنا شد.

### ۱-۱- مفهوم‌شناسی مهدورالدم

احاله به تعاریف از ادبیات فارسی و عربی، ما را با عبارات بسیاری در لغت و فقه مواجه می‌سازد. هریک از این شناسه‌ها، بر جهتی از «مهدورالدم» تأکید افزون‌تری کرده و تشخیص «مهدورالدم‌بودن» در قتل و مجازات را توصیف می‌کنند.

#### ۱-۱-۱- تعریف مهدورالدم

#### ۱-۱-۱-۱- تعریف مهدورالدم در لغت

مهدورالدم از ریشه «هدر» به‌معنای باطل‌شدن و ضایع‌گردیدن و نیز به‌معنای «خون» معارفه شده است (عمید، ۱۳۷۵: ۱۹۶۵). «مهدورالدم»، یعنی کسی که خونس باطل است و در برابر آن قصاص یا دیه نیست (جمعی از پژوهشگران، بی‌تا: ۱۳۵/۲۲؛ ابن منظور، ۱۹۹۶: ۵۱/۱۵).

#### ۱-۱-۱-۲- تعریف مهدورالدم در اصطلاح

معناشناسی «مهدورالدم» از دیدگاه فقه اسلامی به مفهوم و منطوق بسیط مد نظر نبوده، بلکه مهدورالدم شخصی است که از لحاظ شرعی کشتن او مجاز می‌باشد «کلّ من أباح الشرع قتله» (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۰۶/۱۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۵: ۸۱۷/۱؛ قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۴۰/۲) و در مقابل محقون

«عقل» رتبه‌بندی می‌شوند. این موضوع به دلیل تفصیل زیاد از چهارچوب مقاله پیش رو خارج است، هرچند در خلال موضوعات، نکاتی بیان خواهد شد.

### ۱-۱-۳- مصادیق الذکر مهدورالدم

#### ۱-۱-۳-۱- واجب القصاص بودن مقتول

یکی از مصادیق الذکر مهدورالدم واجب القصاص بودن مقتول است که این حق مختص ولی دم می‌باشد نه غیر آن؛ این مهم در کتب فقهی اشاره شده است. «أن يكون مهدورالدم لطائفه خاصه، مثل من ثبت عليه القصاص، فإنه مهدورالدم بالنسبه إلى ولي الدم فحسب، فلا يجوز لغيره قتله» (انصاری، ۱۴۱۵: ۴۴۵/۴؛ مرعشی، ۱۴۱۵: ۳۱۴/۱؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۹۱: ۲۵۱/۱).

#### ۱-۱-۳-۲- قتل در دفاع مشروع

بروز دفاع مشروع حقی است قانونی که شخص با توسل به آن می‌تواند در موقعیتی ضروری و با رفتاری به ظاهر مجرمانه، تجاوزی قریب‌الوقوع یا بالفعل را که جان، عرض و مال آن شخص یا اطرافیانش را مورد تهدید قرار داده با شرایطی دفع نماید (آباج خاصی، ۱۳۹۸: ۱۹۴). در برخی کتب فقهی دفاع مشروع هرگاه منجر به قتل شود، مقتول مهدورالدم محسوب می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۵۱/۳؛ منتظری، ۱۳۸۴: ۴۸۳/۳).

#### ۱-۱-۳-۳- ساب‌النبی

حکم ساب‌النبی، به شرط ایمن بودن شونده از ضرر مالی و جانی و عرضی، قتل ساب‌النبی است (فاضل لنکرانی، بی‌تا: ۳۶۴/۱؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۸۹: ۳۹۶/۱). «من سب رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، أو أحدا من الأئمة عليهم السلام، فهو مرتد عن الإسلام و دمه هدر» (مجلسی، ۱۴۰۶: ۴۴۹/۱۶؛ گلپایگانی، بی‌تا: ۲۶۲/۲؛ قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۴۱/۲؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۸۴۰/۲؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳: ۳۶۴/۸). قتل ساب‌النبی استثنایی بر اصل قضایی بودن مجازات است (قورچی بیگی، ۱۳۹۶: ۸۲)، زیرا منوط به اذن امام یا حاکم نیست. در حقوق موضوعه پیرامون ساب‌النبی و مجازات او باید اظهار داشت برای اولین بار در ماده ۱۶ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ و ماده ۵۱۳ قانون مجازات

الدم یا معصوم‌الدم قرار دارد. در برخی کتب از مهدورالدم تعبیر به «ذلک هو کون القتل سائقا للقاتل» شده است (وحید خراسانی، ۱۳۸۶: ۵۱۴/۳؛ خوئی، ۱۴۱۰: ۷۶/۲؛ روحانی، ۱۴۳۵: ۳۳۰/۳). به طور کلی مهدورالدم از نظر لغوی و فقهی کسی می‌باشد که ریختن خورش جایز است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۸۶/۳).

### ۱-۱-۲- رویکرد فقها نسبت به موضوع قتل مهدورالدم

#### ۱-۱-۲-۱- تبیین رویکرد کل نگر فقها نسبت به موضوع قتل مهدورالدم

درخصوص سابقه فقهی موضوع، باید اذعان داشت کثرت در مطلق یا نسبی بودن اباحه جنایت نسبت به اشخاص مهدورالدم در تعابیر فقها وجود دارد (رمضانی، ۱۴۰۲: ۱۹۸۲)؛ در این ارتباط با نظرات مشهور و غیرمشهور روبه‌رو هستیم. غالب فقه‌های معاصر اسلامی جزء در مورد ساب‌النبی (ص) و اهانت به ائمه اطهار (ع)، قائل به اباحه نسبی بوده و این افراد را فقط نسبت به حاکم مهدورالدم شمرده‌اند و به سایر افراد به دلیل احتیاط در دماء (منتظری، ۱۳۸۴: ۴۸۰/۳) حق اعمال مجازات را نداده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۱۶/۳؛ خوئی، ۱۴۲۰: ۲۰۷/۲؛ مجیدی، ۱۳۹۳: ۱۰۴). در مقابل برخی فقها متأخر معتقدند: «ارتکاب جرایم دارای کیفر اعدام از سوی فردی از افراد جامعه، وی را در وضعیت مهدورالدم قرار می‌دهد و اذن حاکم شرع در استیفای قصاص لازم نیست» (روحانی، ۱۳۸۲: ۵۰-۴۹) و در صورت مهدورالدم بودن، شخص مجازات قتل قصاص و دیه را متحمل نمی‌گردد و نظریه مشهور محسوب می‌شود (موسوی خمینی، بی‌تا: ۵۱۲/۲).

#### ۱-۱-۲-۲- سیاست‌گذاری فقه اولویه نسبت به موضوع قتل مهدورالدم

از برجسته‌ترین سیاست‌گذاری‌ها در تشریح بینش موضوع مهدورالدم می‌توان به سیاست‌گذاری فقه اولویه اشاره نمود. در سیاق این سیاست‌گذاری، مداخله مشروعیت قتل افراد بدون اجازه حاکم و قاضی مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین در این نگرش، قتل افراد مهدورالدم با بهره‌گیری از قواعد و معیارهای اولویت در فقه اسلامی با رویکرد تشریح احکام مهدورالدم در چهار مقصد «قرآن»، «سنت»، «اجماع» و

## ۱-۱-۴- مصادیق الحکم مهورالدم

## ۱-۱-۴-۱- قصاص

قانون‌گذار در مواد ۳۱۹ ق.م.ا.پیشین و ۳۰۳ ق.م.ا.جدید، اجازه قتل قاتل را به افرادی غیر از اولیای دم نداده و در صورت انجام این عمل از سوی سایرین و بدون اذن اولیای دم، آن‌ها را شایسته کیفر قصاص می‌داند (مجیدی، ۱۳۹۷: ۳۴۹).

## ۱-۱-۴-۲- پرداخت دیه و کفاره

در برخی موارد نیز شخص از مجازات مبرا است. در ارتباط با مصداق الحکم، در آیه ۹۲ سوره نساء خداوند متعال می‌فرماید: «ما کان لومن ان یقتل مومنا الا خطأ» (نساء/۹۲: فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۳۶۷/۲؛ بروجردی، ۱۳۸۶: ۴۱۰/۳۱)، براساس آیه مزبور، باتوجه به خطای اعتقاد قاتل، حکم به پرداخت دیه و کفاره در قتل فردی به نام عیاش بن ابی‌ریعه شده است.

## ۱-۲-۲- مفهوم اصل صلاحیت قضایی بودن مجازات‌ها

از جمله مفاهیم دیگری که ارتباط با موضوع پژوهش دارد، مفهوم اصل صلاحیت قضایی بودن مجازات‌ها می‌باشد که در ذیل تعریف و گستره آن را مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

## ۱-۲-۱- تعریف اصل قضایی بودن مجازات‌ها

مقصود از اصل قضایی بودن مجازات‌ها آن است که در دادرسی کیفری، تنها مقام صلاحیت‌دار قضایی عهده‌دار تحقیق، دادرسی، تعیین و اجرای مجازات خواهد بود؛ مقامی که در آموزه‌های فقهی با عناوینی همچون امام، حاکم و قاضی از او نام برده شده است، لذا افراد فاقد چنین صلاحیتی حق ورود به این عرصه و اقدامات خودسرانه را نخواهند داشت (مجیدی، ۱۳۹۳: ۹۱). ماده ۱۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ به تعریف اصل قضایی بودن مجازات‌ها با مضمون «اقامه الحدود الی الامام» مشروعیت بخشی قانونی می‌کند (انصاری، ۱۴۱۵: ۴۸/۱۰؛ قاسمی، ۱۳۸۴: ۲۲۰/۱؛ نوربها، ۱۳۸۹: ۱۸؛ مجیدی، ۱۳۹۳: ۱۰۷). مضافاً «اقامه الحدود فانها للإمام خاصه أو من یأذن له ولفقهاء الشیعه فی حال الغیبه ذلک» (فاضل لنکرانی، بی‌تا: ۴۵/۱؛ حیدری، ۱۴۲۴: ۹۰). افزون بر این، «وللفقیه الجامع لشرائط الافتاء إقامتها والحکم بین الناس» (مقدس

اسلامی جرم‌انگاری شد (مجیدی، ۱۳۹۳: ۱۰۴). قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات ساب‌النبی را در ماده ۲۶۲ اعدام مقرر نموده است. باید ابراز نمود باتوجه به مقتضیات زمان و مکان، مصالح اجتماعی و همچنین، توالی فاسد اجرای این نوع احکام بدون اذن امام یا حاکم، به نظر می‌رسد بدون اذن حاکم، نظام جامعه مختل می‌شود (قورچی‌بیگی، ۱۳۹۶: ۱۰۰).

## ۱-۱-۳-۱- مهورالدم به دلیل مرتدشدن و زنا

در این مورد نیز اصل لزوم اذن از حاکم برای کشتن مباح‌الدم، مانند مرتد و زانی است (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۴۰/۲). «أن یکون مهورالدم لكل أحد، لکن یأذن الحاکم الشرعی، فلا یجوز لأحد الإقدام علیه من دون إذنه، مثل من وجب قتله بحد شرعی، کالزانی المحصن و اللاتئ، و المرتد، و نحوهم» (انصاری، ۱۴۱۵: ۴۴۵/۴؛ تبریزی، ۱۴۲۶: ۴۱۲/۲؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۶: ۵۶۳/۱۰؛ موسوی سبزواری، بی‌تا: ۵۱۷). در کتاب «مصباح الهدی فی شرح العروه الوثقی» آمده است: «إذا خاف علی نفس غیر محترمه کالمرتد المهدور دمه» (املی، ۱۳۸۰: ۱۹۳/۷؛ علوی گرگانی، ۱۳۹۵: ۱۴۵/۸).

## ۱-۱-۳-۵- قتل در فراش

قتل در فراش عبارت است از این‌که شوهر، زن خود و مرد اجنبی را به هنگامی که در حال ارتکاب زنا هستند، بکشد (حلی، ۱۴۱۰: ۱۴۵/۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۹۸؛ گیلانی، ۱۴۲۷: ۹۶)، از جمله این‌که به نظریه دفاع مشروع، حدوث حالت برانگیختگی یا تحریک، اجرا و اقامه حد الهی و مهورالدم بودن زانی و زانیه استناد شده است (بند «ث» ماده ۳۰۲ ق.م.ا.؛ خادم ازغدی، ۱۳۹۱: ۹۹). مسأله قتل در فراش در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ منعکس گردیده است. از سوی دیگر، تعداد محدودی از فقها نیز قائل به جواز قتل در فراش با شرط احصان در زانی و زانیه شده‌اند. حقوق‌دانان نیز در این موضوع موافقت یا مخالفت خود را بیان کرده‌اند (الهام، ۱۳۹۵: ۶۵)، لذا مجازات قتل عمدی به تبعیت از اسلام و نظرات شیخ طوسی و محقق حلی قصاص نفس می‌باشد، ولی در مواردی چند حکم قصاص برداشته شده است (گلدوزیان، ۱۳۹۸: ۱).



مؤثر، به تضمین حق دادرسی عادلانه برای افراد متعهد هستند (بهادری جهرمی، ۱۳۹۳: ۹). براساس این اصول، متهم از حقوقی در فرایند دادرسی برخوردار است که به برابری جایگاه وی و نهاد تعقیب و حفظ امنیت و کرامت متهم می‌انجامد (عباسی، ۱۳۹۸: ۸۵)، اما متأسفانه اجرای ماده ۳۰۲ ق.م.ا به تمام این حقوق انسانی و شهروندی مهر بطلان می‌زند و شهروندان عادی را در اجرای مجازات تقریباً آزاد می‌گذارد، زیرا یکی از نتایج تصویب ماده ۳۰۲ ق.م.ا نسبت به افراد موضوع آن، عدم آگاهی از موضوع و دلایل اتهام می‌باشد که یکی از مهم‌ترین تضمینات حقوق دفاعی متهمان در تمام مراحل رسیدگی‌های کیفری به‌شمار می‌رود (جاویدی، ۱۳۹۹: ۳۸۷). قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به بیان پاره‌ای از اصول دادرسی عادلانه و درمعنای اخص حقوق دفاعی متهم پرداخته است. نقض دادرسی عادلانه ضررهای مادی و معنوی در پی دارد که تصویب ضمانت اجرا برای نقض آن ضروری است (رهامی، ۱۳۹۹: ۴۲۷).

#### ۲-۲-۴- خدشه به اصل برائت و رعایت کرامت انسانی

اصل برائت، قانون رهایی بخش ذمه مکلف از تکلیف است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۵۱۶/۱). اصل قضایی بودن مجازات‌ها ارتباط نزدیکی با اصل برائت دارد و خدشه به اصل قضایی بودن مجازات‌ها به معنای آسیب به اصل برائت نیز خواهد بود، چراکه اقدام به مجازات افراد بدون محاکمه آنان به معنای نقض آشکار اصل برائت است (نوبهار، ۱۳۸۹: ۲۱). بنابراین اصل برائت به عنوان اصل اساسی، ضامن آزادی‌ها و حقوق شهروندی مشروع افراد جامعه و حفظ کرامت و حیثیت شهروندان (فیروزیان حاجی، ۱۳۹۷: ۱۶۵) و متهمان به مهدورالدم بودن محسوب می‌شود.

#### ۳- آسیب‌زدایی اصل صلاحیت انحصاری دستگاه قضایی در اجرای مجازات

یکی از راهکارهای آسیب‌زدایی اصل صلاحیت انحصاری دستگاه قضایی در اجرای مجازات، انتخاب رویکرد مناسب در تعیین اولویت‌های اجرای مجازات می‌باشد که در ذیل به تبیین آن می‌پردازیم.

بشر است و انسان تنها در پرتو آن می‌تواند امور اجتماعی خویش را با آسایش خاطر سامان دهد، لذا این مهم از وظایف اساسی حکومت است (أصفی، ۱۳۸۵: ۵۴). اسلام با توجه به نقشی که ریشه‌کن نمودن تجاوز در تضمین امنیت و استمرار آن دارد، تجاوز را جز در مورد ستمکاران «فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (بقره/۱۹۳) گناهی بزرگ و مستوجب سخت‌ترین مجازات‌ها شمرده و مرتکب آن را ستمکار خوانده است «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُوْتِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره/۲۲۹). قرآن بازگشت تجاوز و آثار آن را به خود متجاوز می‌داند «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (طلاق/۱) و جزای متجاوز را تجاوز به مثل می‌شمارد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۴۰۱/۳). با توجه به ارتباط امنیت و نظم عمومی و سیمای امنیت و نظم عمومی در گستره آیات الهی (محمدیگی، ۱۳۷۶: ۷۴)، یکی از آسیب‌های اصل صلاحیت دستگاه قضایی در اجرای مجازات خدشه‌پذیری در کارکرد نظم عمومی می‌باشد. در پرتو مصلحت‌سنجی تعقیب کیفری افرادی که خودسرانه به اجرای مجازات اقدام می‌کنند، باعث می‌گردد از تضییع شدن منافع افراد و جامعه جلوگیری شود، لذا با ضابطه‌مند کردن اجرای مجازات تحت لوای مقام صلاحیت‌دار می‌توان به برقراری مؤثر نظم عمومی و امنیت اجتماعی امیدوار بود. نظم عمومی از این رو به عنوان معیار اصلی اصل صلاحیت دستگاه قضایی در اجرای مجازات مورد توجه قرار گرفته است که غایت و هدف اصلی تدوین مقررات کیفری در اجرای مجازات، همان تأمین نظم عمومی شایسته در سطح جامعه برای شهروندان آن می‌باشد، لذا واگذاری حق صدور حکم جزایی و اجرای مجازات به همه شهروندان، علاوه بر آن که امنیت افراد در جامعه را سلب می‌نماید، امکان زمینه هرج و مرج و بی‌نظمی در سطح اجتماع را ایجاد می‌کند (مجیدی، ۱۳۹۷: ۳۴۱).

#### ۲-۲-۳- خدشه به اصل ضرورت بهره‌مندی شهروندان از موازین دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه یا منصفانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیت‌دار، مستقل و بی‌طرف در چهارچوب یک محاکمه قضایی پیش‌بینی شده است. دولت‌ها به شیوه‌های مختلف، از جمله قانون‌گذاری و پیش‌بینی مکانیزم اجرایی

نظر می‌رسد موارد استثنایی صلاحیت انحصاری دستگاه قضایی در نظام حقوقی با محوریت مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات، مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو، مستحق قصاص نفس یا عضو، دفاع مشروع و زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیرموارد اکراه و اضطرار قابل تحدید باشد. این پنج گروه به صورت مطلق (مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات، مرتکب جرم حدی مستوجب قطع عضو، شخص متجاوز که تجاوز او قریب‌الوقوع باشد) (نجفی، ۱۳۸۵: ۱۲؛ طباطبایی، ۱۴۰۴: ۵۲۲) و عارضی یا نسبی (مستحق قصاص نفس یا عضو فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن و نیز زانی و زانیه فقط نسبت به شوهر زانیه در صورتی که در غیرموارد اکراه و اضطرار باشد) (نجفی، ۱۳۸۵: ۱۶۷) مهدورالدم به شمار می‌آیند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۷۵).

### ۳-۲- ساختار آفرینی در تعیین اولویت‌های اجرای مجازات

از مهم‌ترین موارد ساختار آفرینی در تعیین اولویت‌های اجرای مجازات گذار از فضای سنت‌گرایی و سنت‌گرایی به نوگرایی حقوقی است که در ذیل اجمالاً مطالبی را بیان خواهیم نمود.

### ۳-۲-۱- گذار از فضای سنت‌گرایی و سنت‌گرایی به نوگرایی حقوقی

در مورد برخی مصادیق مهدورالدم فتاوی معتبر فقهی به قتل مهدورالدم تصریح دارند، اما چنان‌چه بیان کردیم، در بعضی از مصادیق دیگر فتاوی معتبر دیگری وجود دارد که استیذان را شرط دانسته و اقدامات خودسرانه را ممنوعیت‌سازی نموده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۰۰/۷). در این دیدگاه سنت، دارای معقولیت بوده و قابلیت مطالعه در دوره زمانی ایجاد شده و بستر زمانی محقق را دارد و علاوه بر مطالعه ظاهری سنت، بررسی بنیادها در سنت نیز به صورت تحلیل در دو سطح ظاهری و عمیق و تأکید بر مطالعه در سطح عمیق، مورد توجه قرار دارد، لذا می‌توان با بهره‌مندی از ظرفیت فتاوی معتبر گذار از فضای سنت‌گرایی و سنت‌گرایی به نوگرایی حقوقی محقق شود. به این صورت که در صورت اختصاص حق قصاص به افراد، استیذان از امام، حاکم یا قاضی واجب باشد.

### ۳-۱- انتخاب رویکرد مناسب در تعیین اولویت‌های اجرای مجازات

به کارگیری ضمانت اجرای کیفری نسبت به رفتارهایی که به طور کلی خطر تضعیف دستگاه قضایی را به دنبال دارد، از جمله قتل مهدورالدم ضروریست که در ذیل مطالبی در این زمینه ارائه خواهد شد.

### ۳-۱-۱- تعیین ماهوی ضمانت اجرای کیفری در قبال قتل مهدورالدم

تعیین ماهوی ضمانت اجرا کیفری در قبال قتل مهدورالدم می‌تواند زمینه آسیب‌زدایی اصل صلاحیت انحصاری دستگاه قضایی در اجرای مجازات را قوت ببخشد، هر چند قانون‌گذار در ماده ۳۰۲ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲ برای قتل مهدورالدم اقدام به تعیین ضمانت اجرای کیفری نموده است و انجام آن را بدون اجازه دادگاه، جرم دانسته است، لذا مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم مقررات محکوم می‌گردد (مجیدی، ۱۳۹۷: ۳۴۳)، اما وضعیت حقوقی در ماده مذکور علاوه بر آن که امنیت را به مخاطره می‌اندازد، آزادی‌طلبی در اعمال مجازات خودسرانه را ترویج می‌دهد (رضائی، ۱۴۰۲: ۱۹۸۲). دلیل ضعف ضمانت اجرا در این زمینه را می‌توان این‌طور خلاصه معرفی نمود که در واقع، مقنن چنین مرتکبی را شایسته کیفر اصل قتل عمدی (قصاص) ندانسته و صرفاً به تعزیر اکتفا نموده است. مضاف بر این، قانون‌گذار تعیین کیفر قصاص را برای مرتکبین قتل عمدی که به اعتقاد قصاص یا مهدورالدم بودن، افرادی را به قتل رسانیده‌اند، نپذیرفته است و تالی فاسد دیگری که در زمینه ضمانت اجرا ایجاد نموده است (مجیدی، ۱۳۹۷: ۳۵۰). فزون بر این، اقدام به قتل همسر خود یا مرد اجنبی در قتل فراش ماده ۶۳۰ ق.م.ا. با استناد و اعتقاد به مهدورالدم بودن همسر خود یا مرد اجنبی، از کیفر قصاص مبرا است.

### ۳-۱-۲- تحدید مصادیق مهدورالدم

قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اقدام به ارائه تعریف از برخی اصطلاحات و نهادهای حقوقی بوده که از مهم‌ترین آن‌ها تبیین مصادیق مهدورالدم در قالب پنج بند مجزا در ماده ۳۰۲ ق.م.ا.م.صوب (مجیدی، ۱۳۹۷: ۳۴۳) به

## ۳-۲-۲- تعیین تکلیف قتل به اعتقاد مهدورالدم بودن

مداخله پیشگیرانه جهت جلوگیری از سوءاستفاده مجرمین در تعیین تکلیف قتل به اعتقاد مهدورالدم بودن ضروریست، زیرا باتوجه به این رویه، قانون گذار در تصویب قانون تعزیرات، مجدداً جواز قتل در فراش را در ماده ۶۳۰ ق.م.ا و پس از آن در بند «پ» ماده ۳۰۲ ق.م.ا ۱۳۹۲ تصویب نموده است (رستمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۹۸). عدم قصاص زوج در صورت کشتن زانی متجاوزی است که در فراش او وارد شده و اقامه دلیل برای جواز قتل به عنوان حکمی تکلیفی مشکل است. از نظر حقوقی نیز عبارت ماده به گونه‌ای تنظیم شده که جرم‌زا بوده و امنیت قضایی را سلب و نوعی آدم‌کشی در لوای قانون و بدون امکان دفاع برای متهمین را ترغیب می‌کند (میرمحمدصادقی، ۱۹۳: ۳۳۸؛ جاویدی، ۱۳۹۹: ۳۹۲). زیرا چنین قتلی که به اعتقاد مهدورالدم است، شبه‌عمد به‌شمار می‌آورد (موسوی خمینی، بی‌تا: ۵۵۴/۲)، هرچند، اما نظر صحیح آن است که قتل در فراش نوعی دفاع است، از این رو عمده شرایط ذکر شده، قابل رد می‌باشد (رستمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۹۸)، اما این ماده می‌تواند مورد سوءاستفاده قاتلین حرفه‌ای قرار گیرد و قتل‌هایی که با انگیزه‌های انتقام‌جویانه انجام شده، تحت عنوان جواز قتل در فراش مطرح گردد.

## ۳-۲-۳- زائل نمودن تعارض قانونی دوحدی و جرم‌زایی از قتل مهدورالدم

چنان‌چه بیان نمودیم، بر مبنای اصل ۳۶ قانون اساسی حکم به مجازات و اجرای آن صرفاً در انحصار دادگاه قانونی می‌باشد و مواد ۱۲ و ۱۳ ق.م.ا به پیروی از قانون اساسی، اصل قضامندی مجازات‌های کیفری را به رسمیت شناخته است (مجیدی، ۱۳۹۷: ۳۴۵)، اما همچنان قتل به اعتقاد مهدورالدم در بندهای ماده ۳۰۲ و ۴۲۱ ق.م.ا را مانع کیفر قصاص قلمداد نموده است. این موارد باعث نارسایی قانون و بروز تعارض در سیاست‌های کیفری اتخاذ شده از سوی مقنن در این زمینه می‌باشد (مجیدی، ۱۳۹۷: ۳۴۹) و باعث ایجاد جرم‌زایی است (عباسی، ۱۳۹۹: ۹۷)، لذا زائل نمودن تعارض قانونی دوحدی (نسخ رابطه محتمل میان مواد ۱۲ و ۱۳ ق.م.ا و کنش بعدی عامل و ایجاد ماده ۳۰۲ و ۳۰۳ ق.م.ا ۱۳۹۲ و

رفع نواقص آن) و جرم‌زایی از قتل مهدورالدم باعث ساختار آفرینی در تعیین اولویت‌های اجرای مجازات گردد.

۳-۲-۴- ارائه الگوسازی ساختاری در ماده ۳۰۲ و ۳۰۳ ق.م.ا در ماده ۳۰۳ ق.م.ا علی‌رغم انتظار از قانون گذار، متأسفانه تحول مثبتی در زمینه مصادیق مهدورالدم و لزوم حفظ امنیت قضایی به چشم نمی‌خورد (مجیدی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). همچنین چالش‌های پیش روی اجرای ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی که در مقام بیان مصادیق مهدورالدم و لزوم حفظ امنیت قضایی افراد می‌باشد. وضعیت حقوقی در ماده مذکور علاوه بر آن که امنیت را به مخاطره می‌اندازد، آزادی‌طلبی در اعمال مجازات خودسرانه را ترویج می‌دهد (رضائی، ۱۴۰۲: ۱۹۸۲)؛ افزون بر این، با لزوم رسیدگی به اعمال مجرمانه از سوی دادگستری عمومی، یعنی اصل قانونی بودن دادرسی نیز در تعارض بوده و امنیت قضایی را به چالش می‌کشد؛ قسمت اخیر ماده ۳۵۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ که مانع از کیفر قصاص برای فردی شده است که صرفاً به اعتقاد خود، اقدام به قتل دیگری کرده و معلوم شده است که اعتقاد وی منطبق با واقعیت نبوده است، لذا ضروریست با حذف ماده ۳۰۲ یا تغییر در آن و ارائه الگوسازی ساختاری در ماده ۳۰۳ ق.م.ا، نسبت به پیگیری رفتار مشمولین اعمال مجرمانه مندرج در آن ماده از طریق قوه قضاییه و با توسل به دادرسی منصفانه اقدام گردد (عباسی، ۱۳۹۸: ۷۵). پیشنهادی در خصوص ماده ۳۰۲ ق.م.ا به شرح ذیل ارائه می‌گردد: در صورتی که مجنی‌علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب در صورت اثبات موضوع در دادگاه، به قصاص و پرداخت دیه محکوم نمی‌شود.

## نتیجه‌گیری

معیار اصل قضایی بودن مجازات‌ها بر لزوم کیفرشناختی و قانونمندی در دادرسی کیفری تأکید دارد. باید اظهار داشت که قائل شدن به برتری صلاحیت قضایی در تحقیق، دادرسی، تعیین و اجرای مجازات، حق اقدامات خودسرانه را از افراد فاقد صلاحیت ممنوع کرده است. مؤید اصل صلاحیت انحصاری دستگاه قضایی در اصل ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی با لسان حصر مورد پذیرش قرار گرفته است، اما در قوانین عادی کیفری فراتر از حقوق صلاحیتی، شاهد وجود

**ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهام نویسندگان:** در این پژوهش، نویسنده دوم به‌عنوان نویسنده اصلی و مسؤول است.

**تشکر و قدردانی:** ابراز نشده است.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

### منابع و مأخذ

- ابن منظور (۱۹۹۶). *لسان العرب*، جلد پانزدهم، چاپ اول، بیروت: مؤسسه تاریخ عربی و احیاء تراث عربی.

- احمدلو، محمد (۱۴۰۰). «مطالعه حقوقی جرم‌شناختی تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی (جواز قتل مهدورالدم)». *پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران*، ۹: ۵۲۸-۵۶۴.

- امامی، سیدحسن (بی‌تا). *حقوق مدنی*، جلد چهارم، تهران: انتشارات اسلامی.

- انصاری، محمدعلی (۱۴۱۵). *الموسوعه الفقهیه المیسره*، جلد‌های چهارم و دهم، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

- آباغ خاصی، پانته‌آ (۱۳۹۸). «بررسی حالت ضرورت در شکل‌گیری دفاع مشروع». *مطالعات حقوق سیاسی حقوق و فقه*، ۴: ۱۹۴-۲۰۹.

- اصفی، محمدمهدی (۱۳۸۵). *مبانی نظری حکومت اسلامی*. تهران: مجمع مذاهب اسلامی.

- آملی، میرزاحمدتقی بن محمد (۱۳۸۰). *مصباح الهدی فی شرح العروه الوثقی*، جلد هفتم، تهران: انتشارات مؤلف.

استثنایی در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی با محوریت مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات، مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو، مستحق قصاص نفس یا عضو، دفاع مشروع و زانی و زانیه درحال زنا نسبت به شوهر زانیه هستیم. به‌نظر می‌رسد منشأ این استثنا در فقه اسلامی موضوعی اختلافی است و برخی فقها با پایبندی به اصل صلاحیت قضایی معتقد به موارد نقض موارد استثنایی نبوده و معتقدند اصطلاح مهدورالدم در مورد برخی از افراد تنها در قبال دستگاه قضایی قابل پذیرش است نه نسبت به افراد عادی. در مقابل دسته‌ای از فقها معتقدند افراد مهدورالدم توسط همه مردم قابلیت تعقیب و مجازات را دارند. باید بیان نمود ماده ۳۰۳ ق.م.ا اختیار مطلق العنان را به افراد نداده و بار اثبات مهدورالدم‌بودن یا تطبیق مهدورالدم‌بودن موضوعی و مصداقی را به‌عهده خود افراد گذاشته که نوعی ضعف محسوب می‌گردد و درنهایت قانون‌گذار اصل را بر عدم اجازه قرار داده است، اما در مواردی مصادیق نقض مشهود می‌باشد. نتایج پژوهش نشانگر این است که آسیب‌زایی اصل صلاحیت انحصاری دستگاه قضایی در اجرای مجازات شامل آسیب به قانونمندی اجرای مجازات‌ها، آسیب در کارکرد نظم عمومی، آسیب به اصل ضرورت بهره‌مندی شهروندان از موازین دادرسی عادلانه و خدشه به اصل برائت و رعایت کرامت انسانی می‌شود. همچنین راهبردهای رهایی از این چالش و آسیب‌زدایی اصل صلاحیت انحصاری دستگاه قضایی در اجرای مجازات شامل: اول: انتخاب رویکرد مناسب در تعیین اولویت‌های اجرای مجازات با زیرمجموعه تعیین ماهوی ضمانت اجرای کیفری در قبال قتل مهدورالدم، تحدید مصادیق مهدورالدم؛ دوم: ساختارآفرینی در تعیین اولویت‌های اجرای مجازات با زیرمجموعه گذار از فضای سنت‌گرایی و سنت‌گرایی به نوگرایی حقوقی، تعیین تکلیف قتل به اعتقاد مهدورالدم‌بودن، زائل‌نمودن تعارض قانونی دوحدی و جرم‌زایی از قتل مهدورالدم، ارائه الگوسازی ساختاری در ماده ۳۰۲ و ۳۰۳ ق.م.ا می‌شود. پیشنهادی درخصوص ماده ۳۰۲ ق.م.ا به‌شرح ذیل ارائه می‌گردد: در صورتی که مجنی‌علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب در صورت اثبات موضوع در دادگاه، به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی‌شود.

- بروجردی، حسین (۱۳۸۶). منابع فقه شیعیه، جلد سی و یک، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- بهادری جهرمی، علی (۱۳۹۳). «اصول دادرسی عادلانه در اندیشه اسلامی». *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ۷: ۹-۳۲.
- تبریزی، جواد (۱۴۲۶). *منهاج الصالحین*، جلد دوم، قم: انتشارات مدین.
- جاویدی، احمد (۱۳۹۹). «نارسایی‌های سیاست کیفری ایران در قبال قتل مهدورالدم و ضرورت‌های تقنینی آینده». *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۲: ۳۸۲-۳۹۶.
- جمعی از پژوهشگران (بی‌تا). *موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت علیهم السلام*، جلد‌های هشتم و بیست و دوم، قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- حلی، علامه حسن بن یوسف (۱۴۱۰). *ارشاد الأذهان*، جلد اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حیدری، محسن (۱۴۲۴). *ولا به الفقیه*. بیروت: دارالولاء.
- خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰). *منهاج الصالحین*، جلد دوم، قم: انتشارات مدینه‌العلم.
- خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۰). *مبانی تکمله المنهاج*، جلد دوم، نجف: انتشارات مطبعه الآداب.
- رستمی نجف‌آبادی، حامد (۱۳۹۵). «نگاهی نو به ماهیت قتل در فراش در فقه و حقوق کیفری». *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۱۵: ۱۷۵-۲۰۰.
- رضانی، احمد و اکرادی، سعید (۱۳۹۶). «پیشینه فقهی و حقوقی جواز یا عدم جواز اعمال مجازات توسط افراد به‌صورت خودسرانه». تهران: *اولین همایش بین‌المللی و بین‌الملل اسلام*، جلد سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۹۸۲-۱۹۹۱.
- روحانی، محمدصادق (۱۳۸۲). *پاسخ‌های آیت‌الله العظمی روحانی به استفتائات قوه قضائیه*. تهران: انتشارات حدیث دل.
- روحانی، محمدصادق (۱۴۳۵). *منهاج الصالحین*، جلد سوم، بیروت: دار بلال للطباعة و النشر.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۹). *استفتائات*، جلد اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۹۱). *أحكام القصاص فی الشریعه الإسلامیه الغراء*. قم: امام صادق (ع).
- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۳). *الروضه البهیة*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طباطبایی قمی، تقی (۱۴۲۶). *مبانی منهاج الصالحین*، جلد دهم، قم: انتشارات قلم الشرق.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۴۰۴). *ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل*، جلد دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- عباسی، عاطفه (۱۳۹۹). «بازخوانی جواز قتل مهدورالدم و چالش‌های آن با دادرسی منصفانه». *تعالی حقوق*، ۳: ۷۵-۱۰۳.
- عراقی، محسن (۱۴۲۵). *نظریه الحکم فی الإسلام*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- علوی گرگانی، محمد (۱۳۹۵). *المناظر الناضره فی أحكام العتره الطاهره*، جلد هشتم، قم: فقیه اهل بیت (ع).
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). *فقه سیاسی و حقوق بین‌الملل اسلام*، جلد سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- عمید، حسن (۱۳۷۵). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۴۳۰). مشروعیت و ضرورت اجرای حدود اسلامی در زمان غیبت، جلد اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (بی تا). موسوعه رد الشبهات الفقهیه المعاصره، جلد اول، قم: مرکز ائمه اطهار (ع).
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳). کنز العرفان فی فقه القرآن، جلد دوم، تهران: انتشارات مرتضوی.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۹۰). آیین کیفری اسلام، جلد اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). کشف اللثام عن قواعد الأحكام، جلد های دوم و یازدهم، قم: النشر الاسلامی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۹۵). مفاتیح الشرائع، جلد اول، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴). فقیهان امامی و عرصه های ولایت فقیه «از قرن چهارم تا سیزدهم هـ.ق». جلد های اول و دوم، مشهد مقدس: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- قورچی بیگی، مجید (۱۳۹۶). «بازپژوهی جرم ساب النبی». فقه، ۳: ۸۱-۱۰۷.
- گلپایگانی، محمدرضا (بی تا). الدر المنصود فی أحكام الحدود، جلد دوم، قم: دارالقرآن الکریم.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۸). «جواز قتل در فراش؛ تأکید دوباره در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در راستای جواز قتل مهدورالدم». تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، ۴۴: ۱-۱۹.
- گیلانی، سیدمحمدباقر (۱۴۲۷). مقاله فی تحقیق إقامه الحدود فی هذه الأعصار. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۶). ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، جلد شانزدهم، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- مجیدی، سید محمود (۱۳۹۳). «سرگذشت اصل قضایی بودن مجازات». مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۴: ۹۱-۱۱۲.
- مجیدی، سید محمود (۱۳۹۷). «آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قبال قتل مهدورالدم». مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۸: ۳۳۱-۳۵۶.
- محمدیگی، شاهرخ (۱۳۷۶). «سیمای امنیت و نظم عمومی در گستره آیات الهی». مطالعات معرفتی در دانشگاه آزاد اسلامی، ۳: ۷۴-۸۰.
- مدرس، محمدعلی (۱۳۱۳). کفایه المحصلین فی تبصره أحكام الدین، جلد اول، تبریز: مطبعه شعاری.
- مرعشی، شهاب الدین (۱۴۱۵). القصاص علی ضوء القرآن و السنه، جلد اول، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- مسجدرایی، حمید (۱۳۸۶). بررسی تحلیلی مسؤلیت ها و اختیارات حاکم در فقه جزایی و حقوق کیفری ایران. رساله دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران.
- مقدس اردبیلی، احمد (بی تا). مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، جلد هفتم، قم: النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷). استفتائات، جلد سوم، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۴). استفتائات، جلد سوم، تهران: نشر سایه.

- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۱). *توضیح المسائل*، جلد دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). *تحریر الوسیله*، جلد دوم، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی (بی‌تا). *جامع الأحكام الشرعیه*. قم: مؤسسه المنار.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۳). *جرایم علیه اشخاص*. تهران: انتشارات میزان.
- نوبهار، رحیم (۱۳۸۹). *اصل قضایی بودن مجازات‌ها، تحلیل فقهی حق بر محاکمه عادلانه*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۲). «اصل قضامندی مجازات‌ها». *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۵: ۶۵-۹۶.
- الهام، غلامحسین (۱۳۹۵). «واکاوی نظرات فقهی حقوقی درباره قتل در فراش». *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۲: ۶۵-۹۰.
- یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (۱۳۷۶). *سؤال و جواب*، جلد اول، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.